



توصیه یعقوب(ع) به فرزندان در مسلمان مردن/ چگونه شیطان در مال و اولاد شریک می شود

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه فلا تموتن الا و أنتم مسلمون، به روایتی از امام رضا(ع) اشاره کرد ...

تفسیر قرآن؛

توصیه یعقوب(ع) به فرزندان در مسلمان مردن/ چگونه شیطان در مال و اولاد شریک می شود
آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه فلا تموتن الا و أنتم مسلمون، به روایتی از امام رضا(ع) اشاره کرد و گفت: انسان سه مرحله را در پیش دارد میلاد، مرگ و بعثت در قیامت. عده‌ای در میلادشان شیطان راه دارد، چرا که اگر کسی خدای ناکرده نتوانست فرزند صالح به بار بیاورد، شیطان شریک اوست. آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیات 132 تا 133 سوره بقره وَصَّيْ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَ يُعْقِبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ آلَةَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ که به مسئله مسلمان بودن حضرت ابراهیم(ع) و دیگر پیامبران الهی اشاره دارد، گفت: خداوند در این آیات بعد از اینکه معیار رشد و سفه را مشخص کرد و معیار عقل و جهل را بیان کرد و فرمود: ملت ابراهیم(ع) بر اساس رشد و عقل تنظیم شد و اعراض از این ملت نشانه سفاهت و جهل است. آنگاه فرمود: همین ملت و دین حق را ابراهیم(ع) به فرزندان توصیه کرد و یعقوب(ع) هم به فرزندان توصیه کرد و فرزندان را به اسلام فرا خواندند، گفتند: نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید: و وصَّيْ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَ يَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.

سفارش به مسلمان مردن

درباره اینکه انسان مسلم بمیرد يك بحث این بود که اگر دین مستقر نباشد ممکن است عند الارتحال از انسان رخت بربندد؛ لذا انسان باید دین را به عنوان يك وصف راسخ در جانش جا بدهد. مطلب دیگر آن است که چون مرگ مشخص نیست که چه زمانی به سراغ انسان می‌آید و در چه زمانی یا چه زمینی یا در چه زمینه‌ای مرگ به سراغ انسان می‌آید: وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ؛ هیچ‌کس نمی‌داند در چه زمینی می‌میرد یا در چه زمینه فکری می‌میرد، این است که همواره باید با اسلام باشد. اگر وصیت آن است که مسلمان بمیرید و اگر مرگ مشخص نیست و زمانش مجهول است، انسان باید در جمیع شئون مسلم باشد، در تمام حالات مسلم باشد؛ زیرا اگر در این حال غفلت رخت بربست احیاناً با غیر اسلام می‌میرد.

شرط لازم برای مسلمان مردن

وی در ادامه تصریح کرد: این دو نکته است که دلالت می‌کند بر اینکه انسان باید دائماً با شئون اسلامی باشد: نکته اول درباره رسوخ است برای اینکه اگر اسلام راسخ نباشد ممکن است عند الارتحال رخت بربندد؛ ایمان اگر مستقر نباشد (مستودع باشد) سودی به حال انسان ندارد؛ زیرا فشار مرگ همه خاطرات را از بین می‌برد و اگر اسلام راسخ نباشد ممکن است رخت بربندد. نکته دوم آن است که انسان در جمیع شئون متوجه خدا باشد؛ زیرا اگر در حال غفلت رخت بربست احیاناً غافلاً رخت بربسته است. چون وصیت آن است که انسان مسلماً بمیرد و مرگ مشخص نیست که در چه موقع به سراغ انسان خواهد آمد؛ پس انسان باید در جمیع شئون مسلم باشد اینکه در طلوعه نماز یا غیر نماز موظفیم که بگوییم: اِنَّ صَلَاتِي وَ نَسْكَي وَ مُحْيَاي وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی همه شئون ما [باید] مسلم باشد، همه شئون ما مطیع خدای سبحان باشد نه اینکه این گفتار در آغاز نماز است و در وسط نماز یا پایان نماز ما باید غافل باشیم؛ این چنین نیست اگر گفته شد: اِنَّ صَلَاتِي وَ نَسْكَي ... تعلیم است یعنی حیات ما لله است و ممات ما لله است، براساس این دو نکته انسان در هر حالی هم که بمیرد راحت است؛ زیرا چون اسلام راسخ است عند الموت با انسان هست و چون انسان حیات و مماتش لله است؛ جمیع شئونش به یاد حق است، در هر حالی هم که رخت بربست مسلماً رخت بربست.

اقامه برهان توسط حضرت یوسف(ع) بر توحید

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه، این تشویق به تقلید نیست [بلکه] تشویق به تحقیق است؛ تأکید کرد: اولاً خدای سبحان براهین این اسلام را ارائه کرد و ابراهیم و یعقوب(سلام الله علیهما) براهین را اقامه کردند، بعد فرزندان را به دین مبرهن دعوت کردند. یعقوب(ع) فرزندان را به دین مبرهن دعوت کرد، نه آنها را به تقلید تشویق کرده باشد... یوسف(ع) قبل از اینکه به وصیت پدر عند الارتحال برسد در زندان بر توحید، برهان اقامه می‌کند؛ پس این چنین نیست که یعقوب فرزندان را به اسلام وصیت کرده که آنها را به تقلید تشویق کرده باشد. این طور نیست بعد از اینکه این اسلام مبرهن شد اینها را توصیه به حق کرد یعنی هم به برهان و هم به اسلام مبرهن تشویق کرده است. نشانه‌اش آن است که خود یوسف که از فرزندان یعقوب است سالها قبل از وصیت پدر همه مسائل

را در زندان دارد با برهان اثبات می‌کند؛ پس این چنین نیست که کسی بگوید همان‌طوری که ابراهیم و یعقوب فرزندان‌شان را به سنت خودشان وصیت می‌کردند و فرزندان یعقوب هم می‌گفتند ما دین آباء و اجداد خودمان را حفظ می‌کنیم، دیگران هم می‌توانند دین آباء و اجدادشان را حفظ کنند (این چنین نیست).

قرآن به اصل سنت که تشویق نکرده است به سنت محقق تشویق کرده است سنت انبیا را تقدیس کرده است؛ سنت اولیا را تقدیس کرده است؛ سنتی که عقل و وحی هماهنگ‌اند [و] او را تأیید می‌کنند تقدیس کرده است؛ لذا وقتی یوسف (ع) منتها و نعمتهای الهی را می‌شمارد می‌گوید: من چون شرک را ردّ کردم و دین حق را پذیرفتم خدای سبحان این امر را به من اعطا کرده است. لذا فرمود: این کلمه حق را و این ملت حق را ابراهیم و یعقوب به فرزندان‌شان وصیت کردند.

سنت ابراهیمی وصیت به اسلام

این مفسر برجسته قرآن تصریح کرد: ... و باز در بحث قبل ملاحظه فرمودید که خدای سبحان يك عده را به ابراهیم اولی دانست [و] فرمود: إِنَّ أُولَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا یعنی پیروان ابراهیم به پیامبر اسلام، و مؤمنین به پیغمبر، به ابراهیم اولویت دارند که روش ابراهیم را احیا کنند. خب، ابراهیم (ع) یکی از برجسته‌ترین روشهای او توصیه فرزندان بود به اسلام، همین توصیه را شما در وصیتنامه حضرت امیر (ع) می‌بینید. آن وصیتنامه معروف که «؛الا تشرکوا بالله شیئاً ... أقیموا هذین العمودین و أوقدوا هذین المصابحین؛ این کتاب و سنت را، این دو ستون را همیشه حفظ کنید، این دو چراغ را افروخته نگاه دارید. این همان روش ابراهیم خلیل است. آن که وصیتنامه می‌نویسد فقط درباره اموال خود و ثلث خود سخن می‌گوید [و] دیگر بازماندگان را به معارف دین دعوت نمی‌کند این روش ابراهیم را ندارد. آن که در وصیتنامه‌اش حالا یا شفاهاً یا کتباً فرزندان خود را به اسلام دعوت می‌کند، این روش ابراهیم خلیل را دارد. در این وصیتنامه حضرت امیر (ع) که فرمود: من شما را به قرآن به نماز به حج و مانند آن دعوت می‌کنم این همان وصیت ابراهیم (ع) است؛ این همان وصیت یعقوب (ع) است. خدای سبحان می‌فرماید: یعقوب عند الارتحال فرزندان‌ش را به اسلام دعوت کرده است. از آنها سؤال کرد بعد از من چه می‌پرستید؟ آنها گفتند: خدای انبیای پیشین مانند تو، مانند ابراهیم و امثال ذلک را می‌پرستیم؛ پس این يك سنت ابراهیمی است که اولی الناس بابراهیم باید این روش را حفظ بکنند.

میلاد، مرگ و حشر با سلامت

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه فلا تموتن الا و أنتم مسلمون، به روایتی از امام رضا (ع) اشاره کرد و گفت: ... از امام هشتم (ع) رسیده است که انسان عقبات کثوف یا در پیش دارد یا پشت سرگذاشته، مهم‌ترین مرحله‌اش سه مرحله است: مرحله میلاد، مرحله رحلت، [و] مرحله بعثت یوم النشور و خدای سبحان برای عیسی و یحیی این سه مرحله را سالم معرفی کرده است. اگر درباره این دو بزرگوار یعنی عیسی و یحیی (سلام الله علیهما) آمده است که و السلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم أبعث حیاً [که راجع به حضرت عیسی است] یا و سلامٌ علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً [که راجع به حضرت یحیی است]، امام هشتم (ع) می‌فرماید که این دو بزرگوار این مقاطع سه گانه را به سلامت گذرانده‌اند یعنی سالمأ به دنیا آمده‌اند، در میلاد آنها شیطان راه نداشت [و مانند آن].

مشارکت شیطان در مال و اولاد

وی در ادامه افزود: عده‌ای در میلادشان شیطان راه دارد. خدای سبحان به شیطان می‌گوید: و شارکهم فی الأموال و الأولاد اگر کسی خدای ناکرده نتوانست فرزند صالح به بار بیاورد، شیطان شریک اوست. اگر از غذای حرام توانست فرزندی متولد کند شیطان شریک اوست یعنی از این کریمه استفاده می‌شود که در تولد او شیطان نقش دارد: و شارکهم فی الأموال و الأولاد اگر در مال شریک بود در ولد هم شریک است؛ لذا شاید نکته اینکه مال بر ولد مقدم شد همین باشد. اگر کسی مال ناپاک فراهم کرده است قهراً غذایش ناپاک خواهد بود و از غذای ناپاک فرزند پاک متولد نمی‌شود. این شریک شیطان است. این اولین مقطع است.

مرگ، عصاره زندگی انسان

این مفسر قرآن به زمان مرگ اشاره کرد و یادآور شد: ... انسان وقتی می‌میرد عصاره حیات را به عنوان يك قدح سر می‌کشد، یعنی به عنوان يك شراب قدح و آب قدح سر می‌کشد، انسان مرگ را می‌میراند که در بحثهای قبل ملاحظه فرمودید؛ انسان نمی‌میرد مرگ می‌میرد. اگر انسان می‌مرد و مرگ انسان را هضم می‌کرد، انسان نابود می‌شد، ولی قرآن کریم بیان‌ش این است که انسان مرگ را می‌میراند. مرگ یعنی انتقال، یعنی تحوّل، انسان مرگ را می‌چشد: کُلّ نفس ذائقة الموت، نه «؛الموت یدوق النفوس؛ انسان است که مرگ را می‌چشد و هضم می‌کند. انسان خواه و ناخواه باید این تحول را هضم بکند. این تغییر را باید از بین ببرد، این انتقال از يك مرحله به مرحله دیگر را باید حذف بکند یعنی باید به جایی برسد که دیگر جابجا نشود. مرگ یعنی انتقال از يك موطنی

به موطن دیگر: «و لکنتم تنتقلون من دار إلي دار؛ این انتقال يك امر قطعي است. انسان باید این انتقال را حذف کند یعنی به جایی برسد که دیگر جابجا نشود، به جایی برسد که دیگر تحولي در او نباشد؛ لذا انسان مرگ را می‌چشد دیگر مرگی نیست. در روایات قیامت آمده که مرگ را می‌میرانند نه انسان را بمیرانند، موت مثل يك كبش أملحي ذبح می‌شود، دیگر مرگی نیست مرگ می‌میرد یعنی انتقال تمام می‌شود انسان به نشئه ثبات راه پیدا می‌کند.

عصاره مرگ در ذائقه صالح و طالح

وی تأکید کرد: خب، اگر کسی بخواهد کاسه مرگ را سر بکشد. این کاسه عصاره درخت زندگی اوست. اگر بد کرد که این کاسه آبش بسیار تلخ است و اگر آدم خوبی بود مظلوف این کاسه بسیار شیرین است؛ لذا هیچ لحظه‌ای تلخ‌تر از لحظه مرگ برای تبهکاران نیست و هیچ حالتی هم گوارتر از لحظه مرگ برای مؤمنان نیست، در روایات موت ملاحظه می‌فرمایید که هیچ حالتی به اندازه مرگ برای مؤمن لذیذ نیست. برای اینکه يك وقت چشم باز می‌کند اولیا را می‌بیند، أنبیا را در خانه‌اش می‌بیند همه آنها در کنار بستر محتضر مؤمن حضور پیدا می‌کنند به فرشته مرگ دستور می‌دهند که این ولی ماست جانش را به آسانی قبض بکن، فرشته هم به أهل بیت [علیهم‌السلام] عرض می‌کند: من نسبت به مؤمنین این‌چنین هستم. این روایاتی که دارد قره عین مؤمن موت است، ناظر به همین است که هیچ حالتی به اندازه مرگ برای انسان گوارا نیست. اگر مؤمن باشد. بنابراین انسان مرگ را می‌چشد، نه مرگ انسان را بچشد و از بین ببرد. خب، اگر زندگی انسان حلال بود مرگ هم به سلامت طی می‌شود و اگر مرگ به سلامت طی شد مرحله بعد از مرگ هم به سلامت طی می‌شود. این است که از امام هشتم (ع) رسیده است که خدای سبحان در این سه مقطع حساس نسبت به یحیی و عیسی (علیهما الصلوة و علیهما السلام) درود فرستاد: و سلامٌ علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً. [که درباره حضرت یحیی است و نیز والسلام علی یوم ولد و یوم اموت و یوم اُبعث حیاً که راجع به حضرت عیسی می‌باشد].

سلامت حشر تجلی سلامت زندگی و مرگ انسان

اگر انسان مسلماً مرد، اگر مسلماً رحلت کرده باشد قهراً در حال قیامت هم «مؤمناً؛ سر از قبر بر می‌دارد چون «کما تعیشون تموتون و کما تموتون تبعثون؛ انسان همانطوری که مرد به همان حال از خواب مرگ بیدار می‌شود، اگر مؤمناً مرد که مؤمناً سر از خاک بر می‌دارد، اگر مسلماً مرد که مسلماً سر از خاک بر می‌دارد. اینکه وصیت ابراهیم و یعقوب (سلام الله علیهما) این است که مسلمان بمیرد سرش این است؛ لذا چون این دو بزرگوار مسلمان بودند در جمیع حالات، می‌گفتند: سلام خدا بر ما در روز میلاد، سلام خدا بر ما در روز رحلت، سلام خدا بر ما در روزی که سر از قبر بر می‌داریم. چون اگر کسی مسلمان بمیرد. مسلمان محشور می‌شود. این وصیت است.